

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شباهنک راد

۱۴ جولای ۲۰۱۹

راز مذاکره چهار حزب و سازمان گُردستان در چیست؟

چند روزیست که موضوع مذاکره چهار حزب و سازمان گُردستان - حزب دمکرات گُردستان ایران، حزب دمکرات گُردستان، حزب کومله گُردستان ایران (سازمان انقلابی زحمتکشان گُردستان ایران) و حزب کومله زحمتکشان گُردستان ایران -، با رژیم جمهوری اسلامی به متن عناصر و دیگر احزاب و نیروهای خارج از کشوری تبدیل شده است. قبل از هر چیز تکرار این مورد بی‌فایده و یا خارج از متن نیست که آمد و شدهای جریانات گُردستان، با مقامات و دم و دستگاه‌های دست چندم رژیم جمهوری اسلامی - را نبایست و نمی‌نباید -، امر تازه و یا جدیدی دانست. به مرام و به ویژه به سنت بعضاً جریانات و احزاب گُردستان تبدیل شده است. هم، راز چشم‌کزدن‌ها و تماس‌های این احزاب و سازمان‌ها به بالا روشن است و هم ثمره این دست‌ایاب و ذهاب‌ها، در برابر جنبش‌های اعتراضی کارگری و توده‌ای و به ویژه در برابر خلق رزمنده گُردستان قرار دارد.

پیداست که از دستور کار بعضاً جریانات خارج نشده است و مذاکره با جانی‌ترین نظام‌های سرکوبگر، همواره یکی از تم‌های مهم و از زمره اولویت‌های روزمره‌شان را تشکیل می‌دهد. دلیل کلیدی آن، مربوط به رنگ و بوی سیاسی‌شان است؛ به مانند همه نیروهای وابسته به طبقه سرمایه‌داری، با جامعه و با مردم خود بیگانه‌اند و کسب قدرت سیاسی را در مراده با بالائی‌ها می‌بینند. در حقیقت این‌نوع مذاکرات، بیشتر شباهت به جنگ و جدل دم و دستگاه‌های حکومتی - دولتی دارد؛ به مانند جناح‌های رقیب دولتی، به ظاهر طرف مردم‌اند و به دنباله و به بهانه دفاع از خلق گُرد، در پی حراج کالاهای بُنجل‌شان، به گنبدترین دولت‌های امپریالیستی‌اند. سهمیم شدن در حکومت به آمال و آرزوهای‌شان تبدیل شده است و متأسفانه و در این‌میان، هر چه فاصله مردم و به ویژه خلق رزمنده گُرد، با نظام جمهوری اسلامی بیشتر و طویل و درازتر می‌شود، فاصله بعضاً سازمان‌ها و احزاب، کمتر و نزدیک‌تر می‌شود. در یک جمع‌بندی کوتاه می‌توان گفت که تضاد منافع با مردم و خلق گُرد دارند و خط قرمزشان، عبور از خط قرمز توده‌های ستمدیده گُرد است. مردم در حال و هوا، و در فضای سیاسی دیگری‌اند و در مقابل موضوع محوری این سازمان‌ها و احزاب، مذاکره با عاملان و آمران جامعه اسفبار و همچنین سازماندهندگان اصلی زندگی وخیم میلیون‌ها توده رنج‌دیده است.

به هر حال و بنابه هزاران دلیل و برهان باید گفت که توده‌های ستمدیده گُردستان، کم‌ترین توهمی نسبت به ماهیت سران نظام ندارند؛ دهه‌هاست که کارگران و زحمتکشان گُردستان با سران نظام تعیین تکلیف کرده‌اند و بر این عقیده‌اند که هرگونه معاشرت سیاسی با سرکوبگران حاکم بر ایران، برابر با به عقب انداختن کسب حقوق دیرینه‌شان است؛ علاوه

بر این و به تجربه دریافته‌اند که سران حکومت کمترین نزدیکی با محترم شمردن و به رسمیت شناختن حقوق لگدمال شده‌شان ندارند. مقاومت و مبارزه ایثارگرانه چهل ساله خلق کُرد در برابر ارگان‌های حافظ بقای امپریالیستی، در مغایرت با این ایده نیست که عاقبت و فرجام انقلاب را، در گرو پیگیری سیاست‌های مقابله‌ای تا سرحد حذف جناح‌های رنگ و ارنگ حکومتی - دولتی، از دم و دستگاه‌های قدرت می‌دانند. این سنت و خصلت مبارزاتی توده‌های رنج‌دیده کُرد است، وجود هزاران اعتصاب کارگری و توده‌ئی گسترده در دهه‌های شصت، هفتاد، هشتاد، نود و سر آخر به خیابان آمدن همزمان مردم بیش از صد شهر در دی‌ماه [جدی]، نماد افکار غیر مدارائی و غیر همزیستی سازندگان اصلی جامعه با سران حکومت ایران است. در بستر چنین حقیقتی پیداست که آموزه‌ها و آموخته‌های کارگری و توده‌ئی، به مراتب و به مراتب، بالاتر از آموزه‌ها و آموخته‌های سازمان‌ها و احزابی همچون چهار جریان فوق است؛ سازمان‌ها و احزابی که، سر دو تن از رهبران خود را در پای میز مذاکره با رژیم جمهوری اسلامی به باد دادند، شوربختانه و علی‌رغم حمل چنین نتایج تأسفبار و غم‌انگیزی، از یک‌سو تقویت رژیم جمهوری اسلامی به یکی از کار و بار اصلی‌شان، از دیگر سو پس زدن و تخطئه جنبش‌های اعتراضی رادیکال توده‌های ستمدیده کُردستان شده است.

براستی پوشه سران رژیم جمهوری اسلامی پیرامون جنایت و غارت، لت و پار نمودن کمونیست‌ها، آزادی‌خواهان و خلق‌های ستمدیده بسیار قطور است و روزبه‌روز سیاست‌های سرکوب‌گرانه‌شان را با رندی تمام پی می‌گیرند، بی علت نیست که مردم متفر و کلافه از سیاست‌های ضد انسانی نظام‌اند. به عبارت روشن‌تر و خلاف نظر و اعمال تسلیم‌طلبان و معامله‌گران سیاسی، سران نظام هارتر شده‌اند و به سر "عقل" نیامده‌اند و آماده اعطای حقوق بدیهی توده‌های محروم کُردستان نیستند. پس ایراد و نارسائی کار، نه در انتخاب مذاکره مخفی، و یا در بُود و نبود "جنبش‌های اعتراضی گسترده در کُردستان"، بلکه در اشاعه فرهنگ پاکی، به نظام سرکوبگر و جنایت‌باری است که چهار دهه ازگار همچون غده‌ای چرکین و بدخیم، به جان و مال میلیون‌ها کارگر و زحمتکش و خلق‌های محروم و ستمدیده ایران افتاده است. از منظر مدافعان حقیقی کارگران و زحمتکشان و دیگر توده‌های محروم و ستمدیده، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی غیر قابل اعتماد و تغییراند و افکار و جامه‌شان، بوی خون و گندیدگی می‌دهد و مشام‌ها را می‌آزارند. بنابراین وقت نه پیوند و یگانگی با آنان، بلکه دور انداختن و دفن یکایک آنان است. در بستر چنین شرایط و اوضاع و احوالی باید گفت که هرگونه تلاش برای حفظ و طولانی‌تر کردن عمر سران حکومت - و آن هم به هر دلیل و بهانه‌ای -، برابر با به عقب انداختن حقوق دیرینه سازندگان اصلی جامعه و به ویژه مطالبات بدیهی خلق ستمدیده کُرد است. مضافاً این‌که، در خفا نگهداشتن تماس و مذاکره چهار سازمان و حزب کُردستان با رژیم جمهوری اسلامی، و یا استفاده از الفاظی همچون "اصل مذاکره"، جز فرار به جلو و دوری از سخن گفتن سر راست با مردم، و به ویژه با خلق ستمدیده کُرد نیست؛ سیاستی که متأسفانه حزب کمونیست ایران - ابراهیم علیزاده -، در این بُره از زمانه، انتخاب نموده است.

در هر صورت - و همان‌گونه که در بالا آمده است -، مذاکره بین رژیم جنایت‌کار ایران با بعضاً احزاب کُردستان، ید طولائی دارد و بنابه هزاران دلیل، وُرد به چنین روند خسران‌سازی، افزودن بر بار ناملازمات سیاسی - زیستی میلیون‌ها توده محروم کُردستان است. مردم ایران به‌طور عموم و خلق کُرد به‌طور مشخص، پیام و پاسخ شایسته خود را به سران رژیم جمهوری اسلامی داده‌اند. ایستادگی مسلحانه بیست و چهار روزه در جنگ سنج، به دنباله درگیری‌های رودررو و سنگر به سنگر توده‌های رنج‌دیده مه‌آباد، مریوان، بوکان، اشنویه، بانه، سقز، دیواندره، کامیاران و هورامان و خلاصه روستاهای حسن آباد، خور خوره، باغچه، ترقه، بوته، تخته و کاله و غیره، روایت روشنی از موضع خلق رزمنده کُرد، نسبت به اعمال سران رژیم جمهوری اسلامی در قبال خواست‌های بدیهی‌شان است. با این اوصاف و از منظر توده‌های ستمدیده کُردستان، ناروشتی و یا ابهامی در پرونده نظام جمهوری اسلامی نیست. بیلانس کار سران

حکومت با عریانی تمام بر روی میز هر انسان آزاده و به ویژه مردم گُردستان قرار دارد و خلاف امیال و خواست‌های چهار حزب و سازمان فوق، هزاران خانواده داغدار، قصد و مقصودشان نه تظہیر و یا حفظ بیش از این سران حکومت، بلکه در انتظار باز پس گیری اعمال جنایت‌بار سردمداران نظام جمهوری اسلامی‌اند. برای صدمه‌دیدگان جامعه ایران و به ویژه رنج‌دیدگان گُردستان به اثبات رسیده است که، کم‌ترین نیت پاکی در افکار و چهره جانیانی همچون خامنه‌ای، روحانی، خاتمی و دیگر اعوان و انصارشان نیست. سیمای خون‌بار قارنا و قلہ‌تان و خلاصه ده‌ها شهر و روستاهای گُردستان، همچنان در ذهن‌ها و در خاطره میلیون‌ها انسان و توده‌های محروم گُردستان سنگینی می‌کند. آن ارتکاب خون‌بار را نمی‌توان با هیچ منطق و یا با هیچ مذاکره‌ای جابه‌جا نمود و به فراموشی سپرد؛ به این دلیل روشن که سران نظام جمهوری اسلامی به هیچ صراطی - به‌غیر از کُشت و کُشتار محرومان و دردمندان - مستقیم نیستند.

نظام جمهوری اسلامی به مدت چهار دهه، به پایه‌ئی‌ترین خواسته‌های میلیون‌ها انسان دردمند تعرض نموده است؛ به مدت چهار دهه، مخالفان خود را به دار بست و به مدت چهار دهه، گره اسارات و بدبختی میلیون‌ها انسان رنج‌دیده را سفت و سفت‌تر کرده است تا مبدا چرخه استثمار و غارت دچار صدمه شود و در دست‌اندازهای انقلاب گیر کند. بنابراین و خلاف مبلغان و مروجان "اصل مذاکره" باید گفت که زبان مذاکره، نیازمند باوری به حقوق پایه‌ئی انسان‌هاست؛ نیازمند زمینه‌های نظری - عملی در میان جامعه و مردم است؛ نیازمند باوری به منافع، خواسته‌ها و مطالبات ابتدائی مردم، اعتقاد به رشد و بالندگی، و به ویژه نیازمند باوری به تقسیم آزادی‌ها و ثروت‌های جامعه، بین شهروندان و سازندگان اصلی آن است. زمانی‌که موارد فوق در منطق سران حکومت فاقد اعتبار است، آنوقت به پیش کشیدن و یا چسبیدن به "اصل مذاکره"، جز وارونه جلوه دادن چهره حقیقی و همه‌جانبه سران نظام، و نیز جز گمراهی مردم و به ویژه خلق ستم‌دیده گُردستان نیست.

خلاصه این‌که بین نظام جمهوری اسلامی و مردم، هیچ‌گونه هم‌سوئی سیاسی - نظری، و یا نزدیکی منفعتی طبقاتی نیست. مشکل بنیادی مردم گُردستان در حیات سران نظام جمهوری اسلامی‌ست. بودن‌شان به هر شکل و شمایل، علاج دردهای بی‌شمار میلیون‌ها توده رنج‌دیده گُردستان نیست. پس هرگونه ارتباط و مذاکره مخفی و یا علنی، برابر با عبور از خط قرمز میلیون‌ها توده ستم‌دیده گُردستان است. پس لازم و ضروری‌ست تا با تمام وجود، متعلقان به نظام جمهوری اسلامی را در ابعادی گسترده افشاء و منزوی نمود و در همان حال، به نقد و به رد نظر حامیان ایده ناصحیح "اصل مذاکره" و آن‌هم در زمانه کنونی پرداخت.

۱۳ جولای ۲۰۱۹

۲۲ تیر [سرطان] ۱۳۹۸